

الکردی، به کوشش ابن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۲۰ق؛ الثقات: ابن حبان (م. ۳۵۴ق.)، الکتب الثقافیة، ۱۳۹۳ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق؛ الدرر فی اختصار المغازی و السیر: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش شوقی ضیف، قاهره، دار المعارف، ۱۴۰۳ق؛ دلائل النبوه: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، به کوشش عبدالمعطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق؛ سبل الہدی: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ السیرة النبویہ: ابن هشام (م. ۲۱۸/۲۱۳ق.)، به کوشش محمد محیی الدین، مصر، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ العین: خلیل (م. ۱۷۵ق.)، به کوشش المخزومی و السامرائی، دار الہجره، ۱۴۰۹ق؛ فتح القدر: الشوکانی (م. ۱۲۵۰ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ المصنّف: ابن ابی شیبہ (م. ۲۲۵ق.)، به کوشش سعید محمد، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، به کوشش البقاعی، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۲ق؛ النہایہ: مبارک ابن اثیر (م. ۶۰۶ق.)، به کوشش الزاوی و الطناحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.

رمضان محمدی



بیعت عقبه دوم: دومین پیمان یثربیان با

پیامبر ﷺ در عقبه منا به سال ۱۳ بعثت

پس از بیعت عقبه اول (۱۲ بعثت) و اعزام مصعب بن عمیر* برای تبلیغ اسلام در یثرب، به سال سیزدهم بعثت برخی یثربیان مسلمان همراه حدود ۵۰۰ تن از مشرکان، برای شرکت در مراسم حج راهی مکه شدند. مسلمانان که شمار آنها را ۹۰، ۷۰ یا ۷۵ تن (سه زن و ۷۲ مرد)^۳ یاد کرده‌اند، بر پایه قرار پیشین با گذشتن پاسی از شب، دور از دید مشرکان کنار جمره عقبه با رسول خدا ﷺ دیدار کردند.^۴

در این دیدار، نخست عباس بن عبدالمطلب که مسلمان نبود، از آن جا که می‌خواست کار پیامبر ﷺ را استحکام بخشد، ضمن آگاه ساختن یثربیان از جایگاه رسول خدا میان مردم خویش، به آنها یادآور شد که او قصد هجرت به شهر آنها را دارد. از این رو، اگر توان حمایت از او را ندارند، وی را به حال خود رها سازند.^۵ پس از سخنان عباس، براء بن معرور یثربیان را راستگویان و وفاداران خواند

۱. انساب الاشراف، ج ۹، ص ۴۰۷؛ الصحيح من سیرة النبی، ج ۳، ص ۳۱۲.

۲. المنتظم، ج ۳، ص ۳۹-۴۲.

۳. السیرة النبویة، ج ۱، ص ۴۵۴؛ الکامل، ج ۱، ص ۹۸.

۴. صحیح ابن حبان، ج ۱۴، ص ۱۷۳.

۵. السیرة النبویة، ج ۱، ص ۴۴۱؛ الکامل، ج ۲، ص ۹۸.

به گزارش از عاصم بن عمرو بن قتاده و عبدالله بن ابی بکر، عباس بن عباد خزرجی نیز خطاب به خزرجیان پیامدهای بیعت با پیامبر را که ممکن بود به کشته شدن بزرگان قوم و از دست رفتن اموالشان بینجامد، گوشزد کرد و از آن‌ها خواست تا اگر تحمل این سختی‌ها را ندارند، از بیعت خودداری کنند تا بر اثر پیمان شکنی، رسوایی دنیا و آخرت گریانشان را نگیرد.^۷ اما یثربیان آن‌گاه که در سؤال از رسول خدا دانستند در برابر همه سختی‌ها بهشت نصیب آن‌ها خواهد شد، همراه اعلام وفاداری، با او بیعت کردند. عباس بن عباد نیز پس از بیعت، برای درگیری با کافران اعلام آمادگی کرد که رسول خدا ﷺ او را منع نمود.^۸ ابن قتیبه، عباس^۹ را و ابن شهر آشوب، امام علی^{۱۰} را مأمور گرفتن بیعت از یثربیان دانسته‌اند. پیامبر^{۱۱} نه تن از خزرجیان و سه تن از اوسیان را به عنوان نقیب خود میان قبایل یثرب برگزید و اسعد بن زراره را «نقیب نقیبان» خواند.^{۱۱}

به گزارش ابونعیم، هنگامی که پیامبر ﷺ مشغول گفت‌وگو با نقبای انصار بود، عباس بن

که جان خود را در راه رسول خدا ﷺ فدا می‌کنند. سپس پیامبر با خواندن آیاتی از قرآن، آن‌ها را به خدا و اسلام فراخواند. براء، ایمان و تصدیق انصار را به آگاهی پیامبر رساند و همراه بیعت با وی، سوگند یاد کرد که از جان پیامبر، همانند جان زنان و فرزندان خود دفاع کند.^۱

ابوهیثم بن تیهان^{*} نیز آمادگی خود را برای دفاع از پیامبر ﷺ اعلام کرد.^۲ او که اسلام آوردن بیعت کنندگان را موجب گسستن پیمانشان با یهودیان می‌دانست، نگرانی خود را از روزی که پیامبر ﷺ به میان قوم خود بازگردد و یثربیان را تنها بگذارد، ابراز کرد.^۳ رسول خدا با تأکید بر این پیمان^۴، خود را در نبرد و صلح یثربیان همراه آن‌ها خواند.^۵

همچنین اسعد بن زراره^{*} خزرجی پیش از انجام بیعت، خطاب به انصار پیامد و دشواری این بیعت، از جمله واکنش عرب و رویارویی با آن‌ها را گوشزد کرد و از آن‌ها خواست اگر از جانشان هراس دارند، از بیعت منصرف شوند. ولی انصار بر بیعت تأکید کردند.^۶

۱. السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۴۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. الطبقات، ج ۱، ص ۱۷۲؛ جوامع الجامع، ج ۱، ص ۸۹.

۳. جوامع الجامع، ج ۱، ص ۸۹.

۴. السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۴۲.

۵. السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۴۲؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۶۳.

۶. الطبقات، ج ۳، ص ۴۵۶-۴۵۷؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۳۲۲-۳۲۳؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۴، ص ۱۷۳.

۷. السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۴۶؛ النقات، ج ۱، ص ۱۱۰؛ اسد الغابه،

ج ۳، ص ۵۹.

۸. مسند احمد، ج ۳، ص ۴۶۲.

۹. المعارف، ص ۲۱.

۱۰. المناقب، ج ۲، ص ۳۱.

۱۱. المصنف، ج ۸، ص ۵۸۷؛ فتح الباری، ج ۷، ص ۱۷۳.

عبدالمطلب صدای آن‌ها را شنید و به سوی آن‌ها رفت و با اوس و خزرج به گونه‌ای سخن گفت که موجب ناخرسندی آن‌ها شد. اسعد از رسول خدا اجازه خواست و پاسخ او را بدون تعرض داد تا روشن شود که دعوت آن‌ها از سر صدق است و بر آن وفادار خواهند بود. اسعد در سخنان خود، بر اطاعت از فرمان‌های پیامبر ﷺ تأکید کرد.^۱

در تعیین نخستین شخص بیعت‌کننده با رسول خدا ﷺ در عقبه دوم اختلاف است.^۲ از ابوهیثم بن تیهان^۳، اسعد بن زراره، و براء بن معرور^۴ در این میان یاد شده است. به نظر می‌رسد رقابت‌های قبیله‌ای گزارشگران، منشأ اختلاف گزارش‌ها باشد.^۵

این بیعت را به سبب تعهد یثربیان بر دفاع از پیامبر «بیعة الحرب» گفته‌اند.^۶ نیز به سبب وقوع این پیمان در مکان عقبه آخر، آن را «عقبه الآخرة»^۷ و شرکت‌کنندگان در آن را «عَقَبِيَّوْنَ»^۸ گفته‌اند. شماری از مفسران مقصود از «رَجَالٌ»

در آیه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا...» (احزاب/۳۳، ۲۳) را بیعت‌کنندگان در عقبه دوم دانسته‌اند.^۹ نیز مقصود از «میثاق» در آیه ۷ مائده/۵ و ۱۵ احزاب/۳۳^{۱۰} و «انصار» در آیه ۱۰۰ توبه/۹ را بیعت‌کنندگان روز عقبه شمرده‌اند.^{۱۱}

به رغم مخفی‌کاری یثربیان برای حضور در عقبه و تأکید عباس بر پوشیده ماندن این بیعت تا پایان موسم حج^{۱۲}، قریش در همان شب از این دیدار آگاهی یافتند^{۱۳} و به سوی عقبه آمدند. یثربیان به دستور پیامبر پراکنده شدند و از درگیری با قریش دوری جستند. فردای آن روز که بزرگان قریش از سران یثرب درباره شب گذشته پرسیدند، آن‌ها اظهار ناآگاهی کردند. اما قریش قانع نشدند و سعد بن عباده را به اسارت گرفتند. مطعم بن عدی و حارث بن حرب به سبب پیمانی که با سعد داشتند، وی را نجات دادند.^{۱۴}

← منابع

الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ اسد

۹. غرر التبیان، ص ۴۱۹.
۱۰. مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۶۰؛ زاد المسیر، ج ۲، ص ۳۶۰.
۱۱. جوامع الجامع، ج ۲، ص ۹۰؛ تفسیر بیضاوی، ج ۲، ص ۱۰۴.
۱۲. الطبقات، ج ۴، ص ۱۷۲.
۱۳. الطبقات، ج ۴، ص ۱۷۲-۱۷۳.
۱۴. الطبقات، ج ۱، ص ۱۷۳؛ الروض الممطر، ص ۴۱۸.

۱. معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۲۶۲.
۲. الکامل، ج ۲، ص ۱۰۰.
۳. الکامل، ج ۲، ص ۱۰۰.
۴. الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۳۴۸؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۳۷۰.
۵. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۴۴۷.
۶. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۴۵۴؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۶۸.
۷. الطبقات، ج ۱، ص ۱۷۱؛ ج ۳، ص ۳۳۵.
۸. انساب الاشراف، ج ۹، ص ۳۳۲؛ المناقب، ج ۱، ص ۳۳۳؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۵۷.

بیروت، دار المعرفه؛ **الکامل فی التاریخ**: ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ **مجمع البیان**: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ **مسند احمد**: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ **المصنف**: ابن ابی شیبہ (م. ۲۳۵ق.)، به کوشش سعید محمد، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ **المعارف**: ابن قتیبه (م. ۳۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، الرضی، ۱۳۷۳ش؛ **معرفة الصحابة**: ابونعیم الاصفهانی (م. ۴۳۰ق.)، به کوشش محمد حسن و مسعد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق؛ **مناقب آل ابی طالب**: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، به کوشش گروهی از اساتید، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ **المنتظم**: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش نعیم زرزور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.

رمضان محمدی



بیعت نساء: بیعت رسول خدا ﷺ با زنان در

مکه پس از فتح این شهر

بیعت از ماده بیع «ب - ی - ع» به معنای پیمان و پذیرش ریاست و حکومت کسی یا اعلام وفاداری و فرمانبرداری است.^۱ بیعت از مهم ترین سنت های پیش از اسلام در میان مردم عرب بود که مورد پذیرش اسلام نیز قرار گرفت و بارها رسول خدا ﷺ و مسلمانان از آن بهره گرفتند. زنان در دوران جاهلیت نقشی در

الغابه: ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ **انساب الاشراف**: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۷ق؛ **انساب الاشراف**: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ **تفسیر بیضاوی (انوار التنزیل)**: البیضاوی (م. ۶۸۵ق.)، بیروت، اعلامی، ۱۴۱۰ق؛ **بحار الانوار**: المجلسی (م. ۱۱۱ق.)، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ **تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک)**: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار التراث؛ **تاریخ الصحابة الذین روی عنهم الاخبار**: ابن حبان (م. ۳۵۴ق.)، به کوشش الضناوی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق؛ **جوامع الجامع**: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق؛ **الثقات**: ابن حبان (م. ۳۵۴ق.)، به کوشش شرف الدین، هند، وزارت معارف و شؤون فرهنگی؛ **الروض المعطار**: محمد بن عبدالمنعم الحمیری (م. ۹۰۰ق.)، به کوشش احسان عباس، بیروت، مكتبة لبنان، ۱۹۸۰م؛ **زاد المسیر**: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، بیروت، المكتبة الاسلامی، ۱۴۰۷ق؛ **السیرة النبویه**: ابن هشام (م. ۲۱۸/۲۱۳ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المكتبة العلمیه؛ **صحیح ابن حبان**: علی بن بلبان الفارسی (م. ۷۳۹ق.)، به کوشش شعیب الارنؤوط، الرساله، ۱۴۱۴ق؛ **الصحیح من سیرة النبی ﷺ**: جعفر مرتضی العاملی، بیروت، دار السیره، ۱۴۱۴ق؛ **الطبقات الکبری**: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق؛ **غرر التبیان**: بدر الدین الحموی (م. ۷۳۳ق.)، به کوشش عبدالجواد خلف، دمشق، دار قتیبه، ۱۴۱۰ق؛ **فتح الباری**: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)،

۱. لسان العرب، ج ۸، ص ۲۶، «بیع».